Archive of SID

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/٤/۷
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/٦/۲۲

سیامک علیزاده[۱]

بررسی ارتباط بین نقوش و کاربرد آن‌ها در سر سنجاق‌ها ی مفرغی لرستان

چکیده

باستان شناسان این دست ساخته‌ها را حاصل هنر بومی‌منطقه می‌دانند که در فرآیندی طولانی و با در آمیختن تجربه محلی با هنر فرهنگ‌های همجوار (ایلام , آشور، بابل، هیتی، اورارتو) و هنر اقوام مهاجری چون، کاسیان، گوتیان، لولوبیان، موریان و سکاها شکل گرفته است. اما این سرسنجاق‌ها چه ویژگی از نظر نقوش و کاربرد داشته‌اند و آیا رابطه‌ای بین نقوش وکاربرد آن‌ها وجود داشته است . نتایج نشان می‌دهد که سرسنجاق‌های بررسی شده همگی از جنس مفرغ می‌باشند که بر اساس نوع فرم و کاربرد , حدود دو دسته طبقه بندی شده‌اند. از لحاظ نوع فرم، سنجاق‌های دیسکی به دو صورت مدور و مربع وجود دارند و از لحاظ کاربرد , جنبه اعتقادی – مذهبی و همچنین جنبه آرایشی داشته‌اند , لذا این نوشتار تلاش دارد با نگاهی به زیورهای مکشوفه از لرستان به بررسی همبستگی و ارتباط , تفکیک و دسته بندی آن‌ها بر پایه نوع نقوش به کار رفته روی سر سنجاق‌ها بپردازد.گستره تاریخی آثار موزه‌ای مورد بررسی شده، دوران برنز و آهن در ایران (هزاره سوم تا هزاره نخست پیش از میلاد) را در بر می‌گیرد. پژوهش صورت گرفته توصیفی و اطلاعات مورد نظر به شیوه کتابخانه‌ای , اسنادی و مطالعات میدانی از موزه حاوی این گونه آثار تهیه شده است.

کلیدواژه‌ها: هنر لرستان، مفرغ، سر سنجاق‌ها، نقوش، کاربرد

۱. استادیار دانشکده هنر، دانشگاه شهید چمران اهواز
E-mail: Siyamak_micheal@yahoo.com

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

آثار به دست آمده از گورهای لرستان از جمله مفرغها انگیزه بیشتر کاوش‌های گروه‌های باستان‌شناسی تاکنون بوده است. یکی از جالب‌ترین و در عین حال متنوع‌ترین اشیای ساخته شده در این منطقه، سنجاق‌های فلزی است. سنجاق‌ها اشیایی هستند که در تمام مجموعه‌های برنزی لرستان یافت می‌شود. این اشیاءِ زینتی یکی از لوازم آرایشی بوده که در آغاز هزاره سوم ق.م ساخته شده ودرآرایش مردگان (قبور) هم از این دسته ساخته‌ها استفاده می‌شده است این سنجاق‌های فلزی بیشتر در قبور زنان و معابد دیده می‌شود. روی این سنجاق‌ها نقوشی را مشاهده می‌کنیم که از زیبایی و تنوع برخوردارند. یکی از موارد قابل توجه این سنجاق‌ها تنوع آن‌ها، چه از لحاظ طراحی و فرم و چه از لحاظ کاربرد می‌باشد و احتمالا در موارد مختلفی استفاده می‌شده‌اند. این گونه به نظر می‌رسد که در ابتدا از آن‌ها برای آرایش موها استفاده شده، اما رفته‌رفته کاربردهای دیگری هم پیدا می‌کنند از جمله: ثابت نگه داشتن و چفت و بس کردن لباس. استفاده از این روش را می‌توان از قبور این عصر(عصر مفرغ) دریافت. از دیگر کاربردهای آن در تزیین دیواره‌های معابد و نیایشگاه‌ها بوده است؛ سنجاق‌هایی که درمعبد سرخ دُم لرستان یافته شده این نکته را تایید می‌نماید. این مقاله درنظر دارد که به‌این موضوع از چند منظر ازجمله منظرتاریخی، مطالعه هنری نقوش وسپس بررسی کاربردهای آن‌ها درحد مقدور بپردازد تا بتوان به شناخت بهتر و روابط پنهان آن‌ها دست پیدا کرد.

پیشینهٔ پژوهش

سابقهٔ بررسی دربارهٔ آثار مفرغی لرستان را می‌توان در اغلب نوشته‌های مربوط به هنر پیش از تاریخ ایران مشاهده کرد. «در سال ۱۳۰۷ ش. یک نفر از اهالی بومی، هنگام کشاورزی در مزرعه، با قبری روبه‌رو شد که تعدادی اشیاء مفرغی- که بعدها به مفرغ‌های لرستان معروف شد- در آن وجود داشت. کشف این قبر- که نخستین گورستان مکشوف در لرستان بود - حفر سریع گورهای بسیار دیگری را در منطقه به دست اهالی به دنبال داشت» (مجید زاده، ۱۳٦۷: ۱). پس از آن، برای دسترسی به گنجینهٔ این مفرغ‌ها، حفاری در سراسر لرستان رایج شد. نخستین باستان‌شناسی که قدم به خاک لرستان گذاشت، ژاک دمورگان[۱] بود. او طی سال‌های ۱۸۹۱-۱۹۰۲م. در چند نقطه کاوش‌هایی انجام داد. در سال ۱۹۲۸ م. هم برای اولین بار، کاوش‌های علمی‌در لرستان شرقی به وسیلهٔ هرتسفلد [۲] صورت گرفت. چند سال بعد، ژرژ کنتینو و گیرشمن [۳]طی سال‌های ۱۹۳۱- ۱۹۳۳م. کاوش‌هایی را در تپه گیان، جمشیدی و بدهوره انجام دادند . در سال ۱۳۱٦ش/۱۹۳۸م. نیز طی سال‌های ۱۹۳٤- ۱۹۳۵ و ۱۹۳۷- ۱۹۳۸م، اریخ اشمیت [٤] پس از کاوش در گورستان‌ها و تپه‌های متعدد، در سال ۱۳۱۷ معبد سرخ دم در جلگهٔ کوهدشت را کشف نمود. در این معبد سنجاق‌های متنوعی به دست آمد. در سال ۱۳٤۳ برای نخسین بار توجه پژوهشگران به گونه‌شناسی مفرغ‌ها جلب شد. آن‌ها به جای توجه به مفرغ‌های لرستان در قالب یک مجموعه، به مطالعهٔ گونه‌های آن پرداختند. در این میان می‌توان از ادیت پرادا [٥] نام برد. «او گونه‌ای از مفرغ‌ها را که در اصطلاح «علم» نامیده می‌شد، مطالعه و تاریخ گذاری کرد (Porada، 1964:20-21). پس از پرادا، دایسون [٦] چارچوبی برای تاریخ‌گذاری مفرغ‌ها پیشنهاد کرد «(Dyson، 1964:32-43). در سال ۱۳٦۷ نیز مجیدزاده مقاله‌ای با عنوان «تاریخ‌گذاری سر سنجاق‌های مفرغی لرستان» به چاپ رساند. مقاله ایشان نخستین مطلبی است که به صورت تخصصی در مورد تاریخ‌گذاری سنجاق‌ها

www.SID.ir

Archive of SID

نوشته شده است. اما در مقاله حاضر سعی شده که با استفاده از یافته‌های باستان‌شناسی، تصاویر و نقوش بر روی سرسنجاق‌ها از نظر هنری مورد بررسی قرار گیرد و احتمال ویژگی کاربردی بودن آن‌ها را نیز پیدا و مشخص نماید که تاکنون از این منظرکمترمورد توجه قرار گرفته بودند.

روش پژوهش

دسته بندی سنجاق‌ها بر اساس نقوش به کار رفته روی آن‌هاست است که به دو شیوه می‌توان ارتباط و همبستگی بین نقوش و کاربرد آنها را مورد بررسی قرار داد: ۱. با بررسی، تحلیل و توصیف نقوش روی سر سنجاق‌ها، ۲. محل کشف آن‌ها، که در این جا به محدودیت و مشکلاتی بر می‌خوریم. با توجه به این‌که اکثر این سنجاق‌ها به روش علمی‌به دست نیامده بلکه از کاوش‌هایی که به صورت قاچاق انجام گرفته به دست آمده، به همین دلیل اطلاعات به صورت دقیق از محل و زمان کشف این سنجاق‌ها در دست نیست. به جز کاوش‌ها و یافته‌های معبد سرخ دم که به صورت علمی‌و با ثبت و ضبط دقیق صورت گرفته است. یکی دیگر از مشکل‌های قابل ذکر، پراکندگی این سنجاق‌ها در موزه‌ها و نزد مجموعه داران مختلف داخلی و خارجی و قابل دسترس نبودن و فقدان تصاویر با کیفیت در بررسی و تحلیل آن‌هاست. لذا جهت مطالعات میدانی و استنادات لازم ، بیشتر منابع تصویری را از موزه‌ایران باستان اخذ نمودیم.

سر سنجاق‌ها

از مشهورترین اشیاءِ یافت شده در میان دست ساخته‌های مفرغی لرستان، می‌توان به سنجاق‌ها اشاره کرد که در زمینه طراحی، تعداد و تزئینات ، متنوع و خاصند. این سنجاق‌ها که بیشتر آن‌ها در سرخ دم لرستان به دست آمده‌اند انواع مختلفی دارند. انتهای آن‌ها به صفحه‌های مسطح با قالب هندسی مختلف مدور و مربع منقوش متصل می‌شود. نکته دیگری که نشان‌دهنده باز خورد اندیشه آنان در این سر سنجاق‌ها می‌باشد آن است که تناسبات به صورتی در این آثار مراعات شده است که اگر هر یک از آن‌ها را تا بیش از پنجاه برابر بزرگ کنیم باز تناسب آن‌ها از دست نخواهد رفت و این امر یکی از موارد نادر و جزو اسرار پنهانی می‌باشد که کم‌تر در آثار هنری منقوش جهان دیده می‌شود.

روش‌های ساخت و تزیین سنجاق‌ها

در مورد ساخت اشیای مفرغی اعتقاد بر این است که از طریق چکش‌کاری ورقهٔ فلزی و سرد کردن تدریجی آن صورت می‌گرفته است. اگر فلز به علت چکش‌کاری زیاد ترد و شکننده می‌شد، با حرارت دوباره آن را نرم و بادوام می‌کردند. برای ساختن ظروف هم با استفاده از ورقه‌های ریختگی بزرگ مس و مفرغ، آن‌ها را با عمل چکش‌کاری از بیرون برروی یک سندان برجسته‌کاری می‌کردند یا آن را از داخل بر روی یک کندهٔ چوب که فرو رفته بود، گود می‌کردند. برای تزیینات و ترسیم نقش‌های بخش داخلی و خارجی ظروف مفرغی نیز از این شیوه استفاده می‌شده است. هرتسفلد دراین زمینه اشاره می‌کند: «برنزهای لرستان به وسیله ریخته‌گری در قالب تولید شده‌اند؛ شیوه‌ای که در آن هر شکل و فرمی باید دوباره پرداخت‌کاری شود.... . تمام این نمونه‌ها بدون هیچ شکی نشان می‌دهند که برنزهای لرستان، شیوه‌های به کار رفته در هنر حکاکی و قلم زنی مهرهای کرکوک را دنبال می‌کنند؛ با این تفاوت که در هنر حکاکی تمام جزئیات از اهمیت زیادی

www.SID.ir

Archive of SID

برخوردارند؛ اما در هنر ریخته‌گری چنین نیست»... (هرتسفلد ، ۱۹۷٦ :۱٤۷-۱۵٤). «آزمایش دقیق بر روی سنجاق‌ها نیز نشان می‌دهد برای ایجاد نقش از دو شیوهٔ خطی و قالبی و در برخی موارد هم از تزیینات جواهرنشـــان اســـتفاده می‌کردند» (مجیدزاده، ۱۳٦۷ :۵). با توجه به آن چه گفته شد، روش اساسی در تولید این اشیاء، ریخته گری در کنار قالب‌گیری و چکش‌کاری بوده و برای ایجاد نقش‌های ریز بر روی سنجاق‌ها نیز از شیوهٔ نوعی قلمزنی استفاده می‌شده است.

کاربرد سنجاق‌ها

از این ســـنجاق‌ها در موارد مختلفی استفاده شده اســـت. در ابتدا از آن برای آرایش موها استفاده می‌شـــده، اما رفته رفته کاربردهای دیگری هم پیدا کرده‌اند: برای ثابت نگه داشـــتن و چفت و بس کردن لباس. از دیگر کاربردهای آن در تزیین دیواره‌های معابد و نیایشـــگاه‌ها بوده اســـت. به طور کلی می‌توان آن‌ها را از لحاظ کاربرد به دو دسته تقسیم کرد: الف : کاربرد آرایشی(موی سر، لباس) و ب : کاربرد آیینی - مذهبی (معابد)

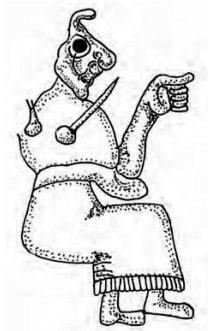

تصویر۱

تصویر۲

تصویر۳

الف : کاربرد آرایشی (موی سر، لباس)

ســـر سنجاق‌های دیسکی (صفحه‌ای) کاربردهای مختلفی داشته‌اند که یکی از موارد استفاده اصلی آن تزیین و آرایش موی ســـر بوده اســـت(تصویر۱) و از کاربرد دیگر این سنجاق‌ها بر روی لباس بوده است (تصاویر ۱-۳). با توجه به موارد ذکر شده در ارتباط با موارد کاربرد و استفاده از این سنجاق‌ها « گیرشمن و گدار معتقدند که‌این سنجاق‌ها برای امور مذهبی، در تدفین به صورت بت و الهه منقوش در این ســـنجاق‌ها که حک شده بودند به عنوان نظر چشمی‌در کنار مردگان به صورت کاهنان آن زمان قرار داده می‌شـــده اســـت و یا در عبادت گاه‌ها و محراب‌ها به عنوان تمثال و هدیه به دیوارهای معبد فرو می‌کردند و به‌این صورت مورد استفاده قرار می‌داند» (مجیدزاده، ۱۳٦۷ :٤). برخی دیگر از باستان‌شناســـان مانند لویی واندنبرگ (۸) معتقدند که‌این ســـنجاق‌ها جنبه تزیینی و آرایشـــی داشته‌اند و بر موی ســـر زنان برای زیبایی زده می‌شده است. در میان این محققین مانند گیرشمن به کاربرد این سنجاق‌ها برای چفت و بست کردن بر روی لباس‌ها و یا بر روی‌شانه‌های لباس مورد استفاده قرار می‌داده‌اند. دلایل ارائه این نظریات هم با توجه به یافته‌های باستان‌شناسی است. در یافته‌های باستان‌شناسی از سنجاق‌ها در تدفین اشخاص در قسمت سر و مواردی هم بر

www.SID.ir

Archive of SID

روی سـینه یافته شده است و برای بیان استفاده مذهبی آن هم می‌توان یافته‌های معبد سُرخ دُم را مثال زد که‌این نکته‌ها را برای ما تایید می‌کنند.

تصویر۴

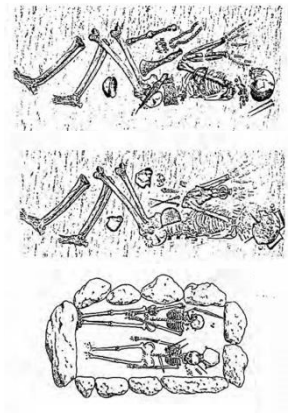

تصویر۵

ب: کاربرد آیینی - مذهبی (معابد)

در بررسی کاربرد سرسنجاق‌های دیسـکی مفرغی لرستان کاربردهای مختلفی مطرح شده است، یکی از این کاربردها، کاربرد مذهبی و آیینی این سر سنجاق‌ها می‌باشد که به دو صورت در معابد (تصویر٤) و در تدفین اجساد (تصویر٥) استفاده می‌شده است. در معابد می‌توان اهدا و نذر این سر سنجاق‌ها را مطرح کرد و یا در دست کاهنان معابد در مراسم را ذکر و معرفی کرد و در تدفین هم یافته‌های باستان‌شناسی این نکته را تایید می‌کنند که در کنار اجساد یافت شده است، احتمالاً موهای این اجسـاد را با سر سنجاق‌ها تزیین می‌کرده‌اند و یا لباس این اجساد را چفت و بست می‌کرده‌اند و سپس تدفین صورت می‌گرفته است.

رابطه بین نقوش و کاربرد آن‌ها

در تزیین سـنجاق‌های مفرغی از طرح‌ها و عناصر مختلف تزیینی استفاده شده است، در این‌جا به بررسی و تفسیر طرح‌ها، بدن‌ها و صحنه‌ها می‌پردازیم تا از این طریق به رابطه بین نقوش و کاربرد آن‌ها پی ببریم، آن‌ها عبارتند از:

۱. طرح‌ها و نقوش هندسی (شامل نقوش مربع، مثلث، دایره، خطوط و کادرها)

۲. بدن‌ها (انسانی، حیوانی، ترکیبی)

۳. صحنه‌ها (صحنه‌های روایتی، نمادین و تزیینی)

۱. **طرح‌هـا** : طرح، کوچک‌ترین واحد به منظور روایت اسـت. این طرح‌ها به صورت انفرادی یا گروهی تکرار شده نشان داده می‌شوند و گاهی مانند سمبل‌ها می‌توانند بار معنایی نیز داشته باشند. در بررسی طرح‌ها و نقش‌های هندسی به‌کار رفته در تزیین سر سنجاق‌ها از اشکال هندسی مختلفی اسـتفاده شده است، این اشـکال عبارت‌اند از: دایره، مربع، مثلث، خطوط هندسی، کادرها و اشکال هندسی در قالب دایره، مربع و در بعضی اوقات مثلث (مانند ستاره‌های چند پر که‌این اشکال در قالب مثلث قرار می‌گیرند). این اشکال بیشتر برای تزیین بر روی این سنجاق‌ها به کار رفته‌اند. (تصویر٦).

۲. **بدن‌ها** : بدن‌ها به نقوش تزیینی گفته می‌شـوند که در موجودات زنده و جان دار قابل رشـد،

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۶

مشـــاهده می‌شـــوند مانند :گیاهان، جانوران و انسان‌هایی که دارای بخش‌های مختلف: ســـر، بدن و پایین تنه یا قســـمت پایین مانند پا جهت ایســـتایی دارند وشامل موارد زیرهستند:

۲-۱. طرح‌ها و نقوش گیاهی: طرح‌های گیاهی یکی از نقش مایه‌هایی است که مکرراً در تزیینات تمامی‌ادوار تاریخی از آن‌ها استفاده شده است، این طرح‌ها در تزیین سر سنجاق‌ها نیز از موارد کلیدی درتزیینات هستند. در بررسی این نقش‌ها با اشـــکال متفاوتی مواجه می‌شـــویم که بعضی از نقوش گیاهی صرفاً جنبه زیبایی، و بعضی از آن‌ها دارای معنا و مفهوم خاص و ریشـــه در اعتقاد ســـازندگان آن‌ها داشته است. طرح‌های گیاهی را می‌توان به طور گسترده در تزیین سر سنجاق‌ها مشـــاهده کرد، این نقش‌ها شامل اشکال مختلفی مانند گل‌ها، بوته‌های گیاهی، گیاهان ترکیبی با سر حیوان، طرح درختان، طرح شاخه و برگ درختان است.

۲-۲. گل‌ها : در بین طرح‌های گیاهی بیشترین استفاده از گل‌ها مانند روزت، نیلوفر آبی، گل‌های چندپر و سوزنی شده است(تصویر۷). این گل‌ها معمولاً نقش پر کننده فضا در تزیین سر سنجاق‌ها را بر عهده داشته‌اند.

۲-۳. بوته‌های گیاهی: در برخی از سر سنجاق‌ها از تزیین زنجیروار بوته‌های گیاهان و گل‌های به هم پیوسته که به صورت بوته‌ای نمایش داده شده‌اند، با اشکال مختلف را شاهد هستیم (تصاویر ۸ و ۹). این نقوش درحواشی و اطراف قپه مرکزی و نقش‌های اصلی که از زیر پا روییده قرار دارند، در برخی موارد هم شـــاخه‌ای از این بوته‌ها در دســـت الهه‌ها و حتی در دهان بزهای نقش شده در ســـر سنجاق‌ها را مشاهده می‌کنیم. این طرح‌ها در ســـر سنجاق‌ها دارای تنوع زیادی بوده و دارای جنبه اعتقادی و تقدس می‌باشد.

تصویر۷

تصویر۸

تصویر۹

۲-۴. گیاهان ترکیبی با ســـر حیوان: طرح گیاه با سر حیوان از جالب‌ترین طرح‌های گیاهی به ســـبک تخیلی است. ترکیب ســـر حیوان با گیاه و درخت در تزیین سر سنجاق‌ها دیده می‌شود. در یک ترکیب، ترکیب سر حیوانی مانند روباه با درخت (تصویر۱۰) و ترکیب سر پرنده با شاخه‌ای از گیاه (تصویر۱۱) را مشاهده می‌کنیم که‌این ترکیب باید جنبه نمادین و اعتقادی داشته باشد که دلیل آن ابهام‌انگیز است.

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۱۰

تصویر۱۱

۲-۵. درختـــان: نقش و طرح درخت به عنـــوان نماد کیهان و منبع باروری و نماد دانش و حیات و جاودانگی بوده اســـت که گاهی به تنهایی و مجزا در تزیینات استفاده شده است،(تصویر۱۰) ولی عمده اســـتفاده از این طرح به صورت نقشـــی در وســـط به نیمه خدا یا انســـان و دو بز در اطراف آن که‌این را درخت مقدس می‌نامیدند اســـت. اســـتفاده از این نقش به‌این خاطر بوده که آن‌ها اعتقاد داشـــتند برخی از درختان و گیاهان برای انسان سودمندند و روحی در آن‌ها وجود دارد . هم‌چنین تصویر درخت به منزله تجلی ایشتار مادر- الهه و باروری بود که جنبه نمادین داشته است. از دیگر طرح‌های گیاهی که در تزیین ســـر سنجاق‌ها از آن‌ها اســـتفاده شده است می‌توان به درخت سرو، نخل (خرما) اشاره کرد. «سرو نماد همیشه بهار، جاودانگی، حیات پس از مرگ است و درخت خرما هم نماد حاصلخیزی بوده که در بعضی از نخستین تصویرهای درخت مقدس، همیشه به کار رفته و جنبه‌های اعتقادی و مذهبی داشته‌اند». (هال،۱۳۸۸: ٤٥) .

۲-۶. شـــاخه و برگ درختان: شـــاخه و برگ درختان از دیگر طرح‌های گیاهی است که کاربرد این نقش در ســـر سنجاق‌ها جنبه اعتقادی و مذهبی دارد. نوع شـــاخه وبرگ مورد استفاده در این تزیینات، برگ درخت خرما در دست طرح‌های مختلف انسانی و الهه‌ها است که در مواردی فقط در یک دســـت و در بعضی موارد در هر دو دست قرار دارد و در یک سر سنجاق هم در دست کاهنان الهه‌ها این برگ‌ها دیده می‌شوند. این طرح احتمالاً نمادی از درخت زندگی است که در دست الهه‌ها قرار می‌گرفته است. (تصاویر۱۲ و ۱۳).

تصویر۱۲

تصویر۱۳

۲-۷. نقوش انســـانی: بی‌تردید باید عنوان کرد که زیباترین نقوش تزیینی ســـر ســـنجاق‌ها را طرح‌های انســـانی تشـــکیل داده‌اند. این نقوش به دو دسته تقسیم می‌شـــوند: ۱. طرح‌هایی که بدون هیچ دخل و تصرفی بر روی سنجاق‌ها نقش شده‌اند و بیشتر جنبه تزیینی داشته‌اند (تصویر١٤). ۲. طرح‌هایی که در فرم و ماهیت اصلی آن‌ها تغییراتی داده شده است، مانند نقش الهه‌ها و یا طرح‌های

www.SID.ir

Archive of SID

ترکیبی انســـان با حیوانات. این نقوش بیشـــتر نمایانگر روایتی اســـت که جنبه اعتقادی و مذهبی داشـــته‌اند(تصویر۱۵)که نقوش اسطوره‌ای و تلفیقی جزو این دسته هستند، مانند نقش گاو مردها و الهه‌ها.

تصویر۱۴

تصویر۱۵

۲-۸. **نقوش حیوانی**: نقش‌ها و طرح‌های حیوانی از دیگر موضوعات تزیینی در سر سنجاق‌های دیســـکی می‌باشند. در بررسی این طرح‌ها در مرحله اول باید به نوع حیوانات توجه داشت. در بین این نقوش می‌توان انواع حیوانات: بز، شـــیر، اسب ، مار، ماهی و پرندگان را مشاهده کرد و در بین این حیوانات بیشترین نقش را بزها (تصویر۱۶) و بعد از آن شیر را مشاهده می‌کنیم(تصویر ۱۷).

تصویر۱۶

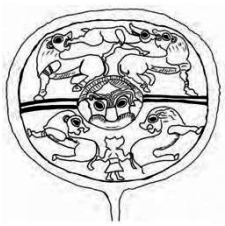

تصویر۱۷

۲-۸-۱. **بز**: این حیوان روزگاری به عنوان تجســـم باروری انســـان‌ها و گله‌ها پرستیده می‌شد. نوع وحشی آن مرتبط با خدای حاصلخیزی در شوش بوده است. در اغلب اقوام آسیایی بز کوهی را راهنمای ارواح می‌دانند.

۲-۸-۲ . **شیر**: شیر در هنر ایران و بین‌النهرین به عنوان نگهبان معبد و قصرها به شمار می‌رفت. قدیمی‌ترین نمونه‌های آن در اثر مهرها و ســـپس در لوحه‌های گلی در هزاره ســـوم ق.م مشـــاهده می‌شـــود و از آن پس در نقوش ظروف هم دیده می‌شـــود و ترکیب شیر با دیگر حیوانات به عنوان نمادهای مختلف خدایان ظهور می‌کند. نقش و طرح ســـر ســـنجاق‌های لرستان نیز از این نقوش بی بهره نبوده است، که تنها در میان حیوانات از سر این حیوان در قپه‌های مرکزی استفاده شده است. نقش شیر را بیشتر در حال مبارزه و جنگ (تصویر ۱۸) و شکار (تصویر۱۹) بر روی سر سنجاق‌ها مشاهده می‌کنیم.

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۱۸

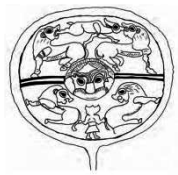

تصویر۱۹

تصویر۲۰

۲-۸-۳. **اسب**: این حیوان دارای قداست خاصی در میان سکاها بوده به صورتی که در ساخته‌های مفرغی لرستان ادوات مختلفی مانند لگام‌ها، زیر سری‌ها و دهنه اسب‌ها را مشاهده می‌کنیم.حتی در تدفین این اقوام حضور اسب دیده می‌شود(تصویر ۲۰).

۲-۸-۴. **مار**: نقش مار در هنر تزیینی ایلامی‌ها به وفور دیده می‌شود و سپس این نقش نیز در سر سنجاق‌های لرستان سرایت و نمود پیدا کرده است، مار به صورت نیکی یا بدی، فراوانی، نمایش آب و یا اهریمنی در کنار نقوش دیگر دیده شده و یا در دست گیلگمش و یا شاید هم به عنوان بارور کننده در روی سر سنجاق‌ها مشاهده می‌شود(تصویر۲۱). «مار به عنوان نماد باروری زمین بوده است و ریشه بین‌النهرینی دارد که در تمدن ایلامی‌ظهور کرده و جنبه تقدس یافته و به کرات در مهرهای استوانه‌ای آن را به صورت‌های مختلف مشاهده می‌کنیم، در هزاره سوم مار به عنوان خدای شفا بخش به نام «نین گیزید» درآمده بود» (مجید زاده؛ ۱۳٦۷: ۳). « این خدا به‌ویژه مورد پرستش گودا فرمانروای لاگاش بود که در سده ۲۱ ق.م می‌زیسته و به عنوان حامی‌هنر و سازنده پرستشگاه‌ها شهرت داشت.» (مجید زاده، ۱۳٦۷ :۳) تندیس‌ها و نقش‌هایی از زمان سلطنت او مارهایی را نشان می‌دهد که به هم پیچیده‌اند یا در دو سوی درخت مقدس قرار دارند که نشان دیگری از قدرت آن‌ها در دمیدن سرِ زندگی‌شان در طبیعت است.

۲-۸-۵. **ماهی**: ازطرح‌های و حیوانی دیگر باید از نقش ماهی نام ببریم، «ماهی به طور کلی نماد حاصلخیزی و باروری است که در آغاز همراه با الهه مادر بود» (مجید زاده، ۱۳٦۷ :٤). درنمونه سر سنجاق (تصویر ۲۲) این نقش را مشاهده می‌کنیم که در کنار الهه مادر آمده است.

تصویر۲۱

تصویر۲۲

۲-۸-۶. **طرح‌های ترکیبی**: جالب‌ترین آثار در میان طرح‌ها، جانوران دیو مانند است. سابقه این نقوش را در ایران باید در آثار مهرهای استوانه‌ای آغاز ایلامی‌جستجو کرد. این هیولاها با ترکیبی از انسان و حیوان و یا حیوان با حیوان به وجود آمده‌اند و شامل حیوانات بال‌دار، شاخ‌دار و ... هستند که نام‌های آن‌ها عبارتند از: گریفون، گاو مرد، اسفنکس، خدایان و الهه‌ها.

www.SID.ir

Archive of SID

۲-۸-۷. گریفون: گریفون که در فارسی شیردال نامیده می‌شود، یکی از جانوران اسطوره‌ای مشترک میان بسیاری از اقوام آسیایی و اروپایی است. پادشاهی فرهمند که بدنش چون شاه جنگل و سرش سر شاه آسمان بود و از گنج‌های پنهان جهان محافظت می‌کرد. گریفون، حیوانی با سر عقاب و بدن شیر است. این نقش از اشکال متفاوت آشور میانی بوده است که در تزیینات مهرهای ایلامی‌هم مشاهده می‌شود، این نقش در تزیین آثار مفرغی لرستان و سر سنجاق‌ها نیز متجلی شده است(تصویر ۲۳).

۲-۸-۸. گاو مردها: گاومردها از دیگر حیوانات اسطوره‌ای موجود در میان نقش‌های سر سنجاق‌های مفرغی لرستان می‌باشند. آن‌ها نگهبانان ویژه‌ای بودند که خود را از آشور به ایران رسانده اند و در ایران حفاظت از کاخ‌ها را به عهده داشتند. گاومرد از قسمت سر ، انسان بوده و از بدن، گاو ایستاده است. سر نشانه هوش و ذکاوت و بدن گاو نشانه قدرت و نیروی فوق‌العاده او بود. این نقوش اسطوره‌ای دارای اشکال مختلف هستند. اغلب در حال مبارزه و محافظت از حیوانات دیگرند. بر سر بعضی از این گاومردها کلاه نیز وجود دارد و بعضی نیز دارای ریش بلندند که انواع این نقش‌ها را در (تصویر ۲٤) مشاهده می‌کنیم.

۲-۸-۹. اسفنکس: یک حیوان اسطوره‌ای تشکیل شده از بدن شیر و بال عقاب و سر انسان است، که همان شیرهای بال‌دار با سر انسان می‌باشند(تصویر۲۵). بال علامت ایزدی و نماد قدرت و محافظت است.

تصویر۲۳

تصویر۲۴

تصویر۲۵

۲-۸-۱۰. خدایان و الهه‌ها: در بین نقوش موجودات شاخ دار، باید از انکیدو نام ببریم. این موجود افسانه‌ای شاخ‌دار که دوست گیلگمش است، موجودی است نیرومند و خشن. وی همواره با سرپوش شاخ‌دار و بالاتنه انسانی و پایین‌تنه گاو نر مشاهده می‌شود. این نقش معمولاً همراه بدن گاو نر است. گاو نر شاخص‌ترین نماد جنس نرینه در طبیعت، یعنی قدرت و نیروی تولید مثل است نقشی که منبع نهایی باروری شناخته شده و آن را با خورشید و خدایان آسمان مرتبط دانسته‌اند. در بین‌النهرین و مناطق مجاور، تصاویر گاوهای نر نیز مربوط به خورشید و آسمان و به عنوان منبع حاصلخیزی و حیات است. نشانه و نقش گاومرد بر روی مهرهای استوانه‌ای در دوران سومر و آشور و هم‌زمان در ایلام مشاهده شده است.

۳. صحنه‌ها: یکی دیگر از عوامل مورد بررسی نقوش، صحنه‌هایی است که بر روی سرسنجاق‌ها وجود دارد. صحنه‌ها به موضوعاتی اطلاق می‌شود که ترکیبی از نقش‌ها و بدن‌ها بوده و دارای معنا و مفهوم خاصی هستند. در بررسی صحنه‌ها به موضوعات مختلفی برخورد می‌کنیم که با نقش‌های مختلفی مانند حیوانی، انسانی، گیاهی و ترکیبی از این نقش‌ها دیده می‌شود و می‌توان

www.SID.ir

Archive of SID

جنبه کاربردی آن‌ها را بر اســاس صحنه‌های به کار رفته به دو دســته تقسیم بندی کرد که شامل: صحنه‌های روایتی و موضوعات نمادین و تزیینی (دکوراتیو) است.

۳-۱. **صحنه‌های روایتی**: این دســته از صحنه‌ها جنبه نماین و مذهبی داشته و بعضاً به عنوان نــذری به کار می‌رفته‌اند. همچنین دارای موضوع و داســتان خاصی بــوده و هدفی را برای خود دنبال می‌کند که عبارت اســت از : صحنه‌های روایتی مذهبی و صحنه‌های مذهبی. در بین صحنه‌ها چندگونه نقش نیز دیده می‌شود که عبارتند از:

۳-۱-۱. **مذهبی انسانی (صحنه زایش)**: در صحنه‌های مذهبی انسانی با یک سری از صحنه‌ها مواجه هســتیم که کاملاً از نقوش انسانی استفاده شــده و از سبک واقع‌گرایی برخوردارند. در این سر سنجاق ما با صحنه زایش مواجه هستیم که یک زن را در حال زایش و برهنه نشان می‌دهد. در نقش دیگری هم که بی شباهت به همین صحنه نیست زن برهنه‌ای را مشاهده می‌کنیم که با پاهایی باز نمایش داده شده است و در اطراف این الهه زایش فقط گل‌های روزت را می‌بینیم(تصویر۲٦).

۳-۱-۲. **مذهبی حیوانی**: در یک ســنجاق دیگر که صحنه آن هم شــبیه به صحنه سنجاق قبلی است، یک درخت را با دو حیوان مشاهده می‌کنیم. بدن این دو حیوان شبیه یک گاو و یا اسب است، دارای دو بال پرنده بوده و بر روی دو پا ایستاده و در حال خوردن شاخه‌های درخت می‌باشد. این درخت هم درخت نخل است. در قسمت پایین آن، همان سر حیوان را می‌بینیم که در قسمت انتهایی درخت جزیی از تنه درخت می‌باشد. در این صحنه با تزیینات دیگر از نقش مایه‌های دیگری استفاده نشده است(تصویر۲۷).

۳-۱-۳- **مذهبی حیوانات و انسان‌های گیاه به دست**: این صحنه‌ها را هم باید جزء صحنه‌های آئینی قرار داد. در این صحنه‌ها هم تنوع در طرح‌ها را می‌توان دید، در این نوع صحنه‌ها که در دست اشخاصی که بعضا انسان و گاهی هم انسان‌هایی با سر حیوان مشاهده می‌شود می‌بینیم که شاخه گیاهی را در دست خود دارند. در یک سر سنجاق که دارای صفحه‌ای مدور و دارای قپه‌ای در وسط با سرانسان به صورت برجسته می‌باشد، که در سمت چپ و راست این قپه به صورت قرینه و در روبروی هم دو کاهن با ســر بز به صورت ایســتاده با ریش بلند ولی دارای شاخ و نه موی سر و با لباسی بلند که تا مچ پا می‌باشد، در دست‌های خود شاخه برگ درخت نخل دارند، شخص سمت چپ ماری در دســت دارد که از دم آن گرفته و آویزان شــده و سر مار تا زیر پایش آمده است، در مقابل سر مار زیر قپه برجسته مرکزی سبدی دارای گل می‌باشد، اما نقش سمت راست که شخص دیگر ایســتاده، از بین رفته اســت ولی با توجه به رعایت تقارن در این صحنه‌ها احتمال این که در دســت دیگر همین شخص هم مار بوده است، زیاد اســت. در قسمت بالا در بین شاخه‌های درخت نخل دو نوع گل را مشاهده می‌کنیم، گل اول دارای گل پرهای سوزنی شکل است ولی گل دوم همان گل روزت می‌باشد و حاشیه دور این صحنه مدور دارای الگوهای (مروارید) می‌باشد که به وسیله آن تزیین شده است(تصویر۲۸).

تصویر۲۶

تصویر۲۷

تصویر۲۸

www.SID.ir

Archive of SID

۳-۱-۴. صحنه‌های روایتی نمایش قدرت

۳-۱-۴-۱. نمایش قدرت الهه : در نمایش صحنه قدرت با تنوع نقش‌مایه‌های مختلف مواجه هستیم، در این صحنه‌ها بدن‌های انسانی، حیوانی و تلفیقی از این دو را مشاهده می‌کنیم که در قالب نقوش اسطوره‌ای مانند گاومردها قرار می‌گیرند. در این صحنه یک شخص در وسط قرار گرفته و با یک دست حیواناتی (که معمولاً هم بز می‌باشند) را به صورت آویزان از دو پای عقب بلند کرده است. در یک سر سنجاق، زنی را مشاهده می‌کنیم که در وسط صفحه سنجاق قرار دارد. این زن دارای بال پرنده است و شاخی از نوع شاخ گاو بر سر دارد و با هر یک از دستان خود بزی را به صورت آویزان از پاهای عقب بلند کرده است. در این صحنه با سبک غیر واقعی مواجه هستیم. در طرح انسانی برای تقدس بخشیدن و نمایش بیشتر قدرت از بال و شاخ حیوانی استفاده شده است(تصویر۲۹).

۳-۱-۴-۲. نمایش قدرت حیوانی: در یک سر سنجاق مدور صحنه، نقش الهه شاخ‌داری را به صورت ایستاده با یک پای زانو زده بر زمین و از روبرو مشاهده می‌کنیم. او با هر یک از دستان خود ماری را به دست گرفته است. این رب‌النوع ،گوش‌هایی مانند گوش گاو و کلاهی بر سر دارد. پاهای رب‌النوع حالت خاصی جهت مغلوب ساختن مارها را نشان می‌دهد و چهره او از هر جهت شباهت به تصویری دارد که در خاطره‌ها از دیوان به جا مانده است. آن‌چه در نقش این سر سنجاق دیده می‌شود بی‌شک قهرمان شاخ‌دار از شمار خدایان نیکوکار آن روزگار و مورد پرسش مردمان بوده است. یکی از نمونه‌های نمایش قدرت حیوانی را می‌توان در (تصویر۳۰) مشاهده کرد.

تصویر۲۹

تصویر۳۰

۳-۱-۵. صحنه‌های روایتی شکار: صحنه‌های شکار از صحنه‌هایی است که در تزیین سر سنجاق‌های لرستان به وفور دیده می‌شود. این صحنه‌ها که شامل شکار حیوانات است به دو صورت شکار حیوان توسط انسان یا الهه‌ای در هیئت انسان و شکار حیوان توسط حیوان (شیر) به تصویر کشیده شده است.

۳-۱-۵-۱. شکار حیوان توسط انسان: در بین صحنه‌های شکارحیوان توسط انسان سر سنجاق (تصویر۳۱) صحنه شکار یا کشتن یک شیر را توسط یک الهه مشاهده می‌کنیم. در این صحنه در دست الهه یک خنجر وجود دارد که بر سرشیری که بر روی دو پای خود ایستاده فرو کرده است.

۳-۱-۵-۲. شکار حیوان توسط حیوان: صحنه شکار توسط یک حیوان در تزیین سر سنجاق‌های لرستان فقط با یک موضوع شکار بز توسط شیر دیده می‌شود، در سر سنجاق (تصویر۳۲) صحنه شکار یک بز را توسط دو شیر مشاهده می‌کنیم که بز در بین دو شیر قرار گرفته و شیرها در حال دریدن بز می‌باشند.

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۳۱

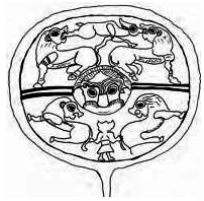

تصویر۳۲

۳-۱-۶. صحنه‌های روایتی اسطوره‌ای: صحنه‌های اسطوره‌ای در بین صحنه‌ها از لحاظ نوع نقش‌مایه‌ها دارای تنوع فراوانی است که به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: الف: صحنه‌های اسطوره‌ای گیلگمش و ب: صحنه‌های اسطوره‌ای انکیدو . یکی از صحنه‌هایی که به کرات بر روی ظروف و سایر اشیاء مفرغی لرستان دیده می‌شود، نقش قهرمانی است که ما آن را «گیلگمش» می‌دانیم. «گیلگمش مرد نیرومند، شاه و شکارچی، قهرمان و نگه دارنده گله‌ها و مغلوب کننده دیوان و نگه‌دارنده زندگان و مردگان، مدت زمان طولانی مورد احترام و ستایش ساکنان منطقه که لااقل به وجود آورنده بخشی از این مفرغ‌ها بوده‌اند قرار گرفته است. این قهرمان یکی از نیمه خدایان بین‌النهرینی بوده، پس از بین‌النهرین در ایلام و لرستان نیز مورد ستایش واقع شده و نقش او از اواخر هزاره چهارم ق.م و اوایل هزاره سوم ق.م بر روی مهرهایی با موضوعات اساطیری ظاهر شده است. از جمله بر روی اثر مهرها ی مربوط به دوره اکد که گیلگمش را در نبرد نشان می‌دهد و متعلق به ۲۳٤۰ ق.م است» (گدار،۱۳۷۷ :۲٦). بر روی آثار مفرغی لرستان با موضوع گیلگمش چند صحنه وجود دارد که شامل: صحنه نبرد و جنگ، صحنه اساطیری، صحنه رام کردن حیوانات، صحنه پهلوان خیالی، صحنه حمایت از حیوانات (حامی‌گله‌ها)، صحنه نوازش کردن حیوانات و صحنه غلبه بر دیوها و دشمنان. گیلگمش را می‌توان در چند قیافه و هیئت در نقوش سر سنجاق‌های لرستان مشاهده کرد، در یک سر سنجاق یک الهه ایستاده با ریش بلندی را مشاهده می‌کنیم که یک بز را از پای عقب گرفته و بلند کرده و نمایش داده است(تصویر ۳۳). در یک سر سنجاق دیگر یک شخص کلاه به سر، به صورت نیم رخ نشسته‌ای را مشاهده می‌کنیم که در اطراف او دو بزی را که به ظاهر رها کرده نمایش می‌دهد که در این جا نوازش و حمایت از حیوانات را از این شخصیت اسطوره‌ای مشاهده می‌کنیم (تصویر ۳٤).

۳-۱-۶-۱. انکیدو: در بین نقوش حیوانات اسطوره‌ای شاخدار، باید از انکیدو نام ببریم که‌این موجود افسانه‌ای شاخدار دوست گیلگمش، شبانی است نیرومند و خشن. وی همواره با سرپوش شاخدار و بالاتنه انسانی و پایین تنه گاو نر مشاهده می‌شود. این نقش معمولاً همراه بدن گاو نر است. گاونر نماد جنس نرینه در طبیعت، یعنی قدرت و نیروی تولید مثل است و آن را با خورشید و خدایان آسمان مرتبط دانسته‌اند و منبع نهایی باروری شناخته شده است. در بین‌النهرین و مناطق مجاور، تصاویر گاوهای نر نیز مربوط به خورشید و آسمان و به عنوان منبع حاصل‌خیزی و حیات است. «نشانه و بدن گاومرد بر روی مهرهای استوانه‌ای در دوران سومر و آشور و هم زمان در ایلام مشاهده می‌شود که در آن مهرها، دارای نقش گاو مرد ایستاده که از سر انسان و از بدن گاو بوده‌اند، گاو نر با سر انسان به عنوان نگهبان ظاهر می‌شده است» (هال، ۱۳۸۳ :۵۸). از صحنه‌هایی که در آن انکیدو را مشاهده می‌کنیم، می‌توان (تصویر ۳۵) را نام برد که در حال مبارزه با یک شیر می‌باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۳۳

تصویر۳۴

تصویر۳۵

۳-۱-۷- صحنه‌های حیوانات خیالی: صحنه‌های حیوانات خیالی به چند دسته تقسیم می‌شوند: صحنه‌های خیالی گریفُون، صحنه‌های خیالی اسفنکس و صحنه‌های خیالی اسب بال دار.

۳-۱-۷-۱. صحنه‌های خیالی گریفُون: در بررسی صحنه‌های اسطوره‌ای، نقش گریفُون (نقش‌مایه شیرهای بال‌دار) را مشاهده می‌کنیم که به صورت نمادین و در حال نگاه بر روی سر سنجاق‌ها ترسیم شده‌اند. در یک سر سنجاق که دارای یک قپه برجسته با سر یک الهه مادر است، دو اسفنکس (شیر بال‌دار با سر انسان)را در دو سمت یک درخت مقدس مشاهده می‌کنیم، که با هر یک از دستان خود از شاخه‌های درخت مقدس گرفته‌اند و در قسمت پایین همان سر سنجاق دو گریفون (شیرهای بال دار با سر عقاب) دیگر را مشاهده می‌کنیم که در بین یک درخت مقدس ایستاده‌اند(تصویر۳۶).

۳-۱-۷-۲. صحنه‌های خیالی اسفنکس: اسفنکس‌ها زیباترین نمونه‌هایی هستندکه در سر سنجاق‌ها مشاهده می‌کنیم. در یک سر سنجاق که دارای یک قپه برجسته با سر یک الهه مادر است دو اسفنکس (شیر بال دار با سر انسان) را در دو سمت یک درخت مقدس مشاهده می‌کنیم، که با هر یک از دستان خود از شاخه‌های درخت مقدس گرفته‌اند و در قسمت پایین همان سر سنجاق دو گریفون (شیرهای بال دار با سر عقاب) دیگر را مشاهده می‌کنیم که در بین یک درخت مقدس ایستاده‌اند(تصویر۳۶).

۳-۱-۷-۳. صحنه‌های خیالی اسب بال دار: نماد اسب در اسطوره‌ها و مراسم دینی بسیاری از تمدن‌ها وجود داشته است. اسبدر هنر تدفینی نماد مرگ بود. در مراسم تدفین تمدن سکاها، اسب جز دارایی با ارزش شخص متوفی به شمار می‌آمد و با او دفن می‌شد. از صحنه‌های روایتی اسطوره‌ای در بین سنجاق‌ها باید اسب‌های بال‌دار را معرفی کنیم. این اسب‌ها دارای بال عقاب به سمت بالا بوده و در کنار درختان مقدس ترسیم شده‌اند در سر سنجاق (تصویر ۳۷) نمونه آن را مشاهده می‌کنیم.

تصویر۳۶

تصویر۳۷

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۳۸

۳-۱-۸. صحنه‌هـــای چند صحنه‌ای: این نوع صحنه‌ها معمولاً دارای یک قپه مرکزی با ســر انســان اســت. در اطراف این قپه با صحنه‌هایی مختلف مواجه هستیم که توسط خطوط، تقسیم‌بندی و از هم جداشده‌اند. در یک سر سنجاق دو صحنه را مشاهده می‌کنیم، در یک صحنه مبارزه دو شیر بال‌دار (گریفُون) و صحنه دیگر آیینی، الهه‌های گیاه به دست را می‌بینیم. در این سر سنجاق که دارای قپه مرکزی با سر یک زن با چشمانی بادامی‌و کشیده است، در قســمت راســت و چپ این قپه دو الهه لباس بلند برتن داشته و در یکی از دستان خود برگ درخت نخل گرفته، و دست دیگرشان به صورت مچ کرده در جلوی صورت خود قرار دارد که به صورت قرینه و با نگاه به ســمت قپه مرکزی است. در قسمت پایین قپه مرکزی دو بز کوهان‌دار و با شــاخ‌های کشیده پشت به هم و با سری برگشته به عقب و نگاه در نگاه هم‌دیگر، در حال دور شــدن از هم نقش بســته شده‌است. در قسمت بالای قپه دو گریفُون روبروی هم را در حال حمله و مبارزه با هم دیگر ترســیم کرده‌اند، که‌این دو نقش بالا و پایین قپه مرکزی ارتباطی با دو الهه گیاه به دست ندارند(تصویر ۳۸).

۳-۲. موضوعات نمادین تزیینی (دکوراتیو)

همان‌گونه که اشــاره شد صحنه‌های نمایشــی، صحنه‌هایی هســتند که موضوع خاصی را دنبال نمی‌کننــد و فقط جنبه تزیینی دارند. در بین این نوع صحنه‌ها، بــه صحنه‌هایی از این قبیل می‌توان برخورد کرد: سر انسان ، سر حیوان ، نقوش گیاهی و نقوش هندسی.

۳-۲-۱. ســر انسان: این صحنه‌ها شامل سرهای انسانی هستند که هم به صورت قپه برجسته مرکزی و هم به صورت تخت و خطی بر روی ســر ســنجاق‌ها به صورت منفرد و تنها مشــاهده می‌شوند. این نوع نقوش سرها به دو صورت سرهای زنان (الهه‌های مادر) و مردان تقسیم می‌شوند، که جنبه نمایش این سرها را بر عهده دارند و به خودی خود معنا و مفهوم خاصی را بر بیننده القاء نمی‌کنند، و می‌توان گفت که جنبه تزیینی و نمایش را بر عهده دارند. نمونه‌های این نوع سرها را به صورت برجســته و قپه مرکزی در سر سنجاق‌های (تصویر۳۹) می‌توان مشاهده کرد و نمونه‌های خطی و تخت را در سر سنجاق‌های (تصویر ٤٠) دیده می‌شوند.

۳-۲-۲. ســر حیوان: این صحنه‌ها نیز مانند صحنه‌های نمایش ســرهای انســانی بوده با این تفاوت که نقش این سرهای حیوانی فقط حیوان شیر بوده است. سرهای شیر به صورت قپه مرکزی به تنهایی در وســط سر سنجاق به نمایش گذاشته شــده است. نمونه‌این صحنه را در سر سنجاق (تصویر ٤١)می‌توان مشاهده کرد.

تصویر۳۹.

تصویر۴۰

تصویر۴۱

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر۴۲

۳-۲-۳. نقش گیاهی: در بین صحنه‌های نمایشی سر سنجاق، صحنه‌های گیاهی هم دیده می‌شـــوند که به صورت منفرد، از گل، در تزیین ســـطح سر سنجاق استفاده شده است. در بین این نقوش، نقش گل‌های روزت چند پر را مشاهده می‌کنیم که تمام سطح سر سنجاق را پوشانیده است و جنبه تزیینی و نمایشـــی زیبا از یک گل را بر سطح سر سنجاق ایجاد کرده است. این نوع تصاویر، دارای موضوع خاص برای بیننده نبوده و می‌توان موضوع نمادین و ســـمبلیک را از این نوع صحنه‌ها استنباط کرد. نمونه‌های این نوع تزیین را که به صورت برجسته و چکش‌کاری شده است، در نمونه سر سنجاق(تصویر ٤٢) می‌توان مشاهده کرد.

۳-۲-۴. نقوش هندســـی: نقوش هندســـی مختلفی را در بین صحنه‌های نمایشـــی و تزیین سر ســـنجاق‌ها مشـــاهده می‌کنیم، که جنبه نمایش و آرایش صفحات مسطح سر سنجاق‌ها را بر عهده دارنـــد. ایـــن نوع نقوش موضوع و معنای خاصی جز تزیین و یا معنای نمادینی از یک نوع گل را بر بیننده تداعی نمی‌کنند. این نوع نقش‌مایه‌ها به صورت اســـتیلیزه و ســـاده شده و معمولاً به صورت دایره‌های برجســـته و کوچک در کنار هم قرار می‌گیرند که در سر سنجاق‌ها نمونه‌هایی از این نوع صحنه‌ها دیده می‌شوند (تصویر٤٣).

تصویر۴۳

کاربرد نقوش بر اساس محل کشف(معبد سرخ دم)

این محوطه بزرگ باســـتانی که به واســـطه قرمز بودن خاک منطقه به سرخ دم معروف است برای اولین بار در سال۱۹۳۸میلادی در کاوش‌های یک هیئت باستان‌شناسی به سرپرستی دکتر اشمیت کاوشگر منطقه تخت جمشید کشف شده و در این عملیات باستان‌شناسی و حفاری که ۲۵ روز طول کشـــید، نتایج بسیار مهمی‌به دست آمد، که موجب رمز گشایی از بسیاری ابهامات تاریخی تمدن و زیســـت بشر اولیه شد. در این کاوش آثاری از بنای تاریخی موسوم به نیایشگاه کشف و به دست آمد که وجود نمونه‌های زیادی از اشـــیاء مفرغی منطقه لرستان از آن جمله‌اند. تعدادی از تصاویر سرسنجاق‌های موجود در این پژوهش از یافته‌های مربوط به‌این معبد می‌باشند که نشانگر حقایق بســـیاری هستند. از یافته‌های به دست آمده ارتباط بین نقوش سرسنجاق‌ها وکاربرد آن‌ها نمایان می‌شوند. اشیایی که در این معبد یافت شده‌اند، با توجه به نقوش به کار رفته و همچنین محل کشف آن‌ها می‌توان این گونه اظهار داشـــت که این اشیا در بخش‌های قبل که به آن‌ها پرداخته شد بیانگر

www.SID.ir

Archive of SID

کاربرد این اشیاء می‌باشند. (توضیح: منبع کلیه تصاویرازکاتالوگ موزه ملی ایران باستان است).

نتیجه‌گیری

این دست ساخته‌ها حاصل هنر بومی‌منطقه زاگرس‌نشینان بوده که در فرآیندی طولانی و با استفاده از تاثیرات هنر تمدن‌های همجوار شکل گرفته است. به نظر می‌رسد که سازندگان این اشیاء مانند همه هنرمندان مناطق مختلف تحت تاثیر همسایگان زمان خویش بوده‌اند. هم‌چنین بر اساس بررسی‌های انجام شده بر روی نقوش موجود سر سنجاق‌ها می‌توان چند نکته را بیان نمود:۱. دارای کاربردهای فراوانی بوده‌اند، مانند کاربرد آرایشی- تزیینی موها ، چفت و بست کردن لباس ،۲. درآرایش معابد و نیایشگاه‌ها هم مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند، یافته‌های معبد ذکر شده در سرخ دم لرستان این نکته را تاکید می‌کند، ۳. نقوش موجود بیان کننده عقاید، فرهنگ و آداب و رسوم میان مردمان آن زمان بوده است و با توجه به کاربردهای مختلفی که داشتند رابطه‌ای بین نقوش و نوع کاربرد را می‌توان درنظر گرفت و درآخر باید خاطر نشان کرد که تنوع این سنجاق‌ها هم ازنظر نقوش و هم طراحی کم نظیر هستند .

پی نوشت‌ها

۱. Jacques de Morgan(1857-1924)
۲. Herzfeld E. E. (1879-1948)
۳. Contenau&Ghirshman، 1935 - Roman Ghirshman(1895-1979)
٤. Schmidt E.(1930)
٥. Porada،E.(1912)
٦. R.H. Dyson(1957-1997)
۷. Louis Vanden Berghe (1924)

فهرست منابع

- اشمیت، اریخ (۱۳۹۱)، *اکتشافات در ایران*،ترجمه: محمدرضا رفانی، تهران ، کارگاه هفت هنر
-بیگ محمدی، خلیل الله(۱۳۸۸)، *بررسی نقوش سنجاق‌های لرستان*.تهران
-پرادا، ایدت (۱۳۹۰)، *هنرایران باستان*، ترجمه: یوسف مجیدزاده،انتشارات دانشگاه تهران
- شوالیه، ژان وگربران،آلن(۱۳۸٤)، *فرهنگ نمادها*، مترجم سودابه فضایلی، تهران ، انتشارات جیحون.
-گدار،آندره(۱۳۸۹) *آثارایران*، ترجمه: ابوالحسن سرومقدم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، بنیادپژوهش‌های اسلامی
-گیرشمن، رومن(۱۳۷۲)، *ایران ازآغازتا اسلام*، ترجمه:محمدمعین ،تهران، شرکت انتشارات علمی‌فرهنگی
- طاهری،صدرالدین و همتی،آنیتا(۱۳۹۲)، گونه‌شناسی و نمادشناسی زیورهای لرستان در دوران مفرغ و آهن .نشریه *هنرهای زیبا-تجسمی*، ش٤ ، صفحه١٤-٥.
- مجیدزاده، یوسف(۱۳٦۷)، تاریخ‌گذاری سرسنجاق‌های مفرغی لرستان، مجله *باستان‌شناسی و تاریخ*. سال سوم. شماره اول. پاییز و زمستان. ص ۳.
- واندنبرگ،لوئی.(۱۳٤۷)، مفرغهای لرستان، ترجمه یحیی شهیدی. مجله *بررسی‌های تاریخی*.شماره۳، سال پنجم.
-هال،جیمز(۱۳۸۸).*فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب*. ترجمه رقیه بهزادی. تهران ، انتشارات فرهنگ معاصر
-هرتسفلد،ارنست(۱۳۷۷) *حفاری درایران*، ترجمه: یوسف مجیدزاده، سازمان میراث فرهنگی ایران
Dyson، R. H.(1997) *History of the field: archaeology in Persia*، in E. M. Meyers (ed.) The Oxford Encyclopedia of Archaeology in the Near East. Volume 3. New York: Oxford University Press، 60-43

www.SID.ir